

## ادامه سر مقاله

## راهبردهای کلان دستیابی به توافق

یکی از راهبردهای کلان دستیابی به توافق، این است که در ابتدا طرف مقابل باید از تاثیر گذار بودن تحریم ها ناامید شود. در حال حاضر باور طرف مقابل، این است که تحریم ها سبب شده است ایران پای میز مذاکره بنشیند در حالی که حاکمیت آمریکا باید مطمئن شود ما به خاطر تحریم مذاکره نمی کنیم. دومین راهبرد کلان تقویت قدرت منطقه ای ایران است؛ یعنی هر چه قدرت ما در منطقه بیشتر شود، که خوشبختانه با عنایت های الهی و تدبیر های رهبری بیشتر هم شده است، آن ها برای کنار آمدن با ما بیشتر متقاعد خواهند شد که ایران را به عنوان یک قدرت منطقه ای بپذیرند. سومین راهبرد شکستن اجتماع قدرت های اروپایی و آمریکای در مسئله ایران است. در واقع بینانه بودن این امر همین اشاره کافی است هنگامی که ما تازه فعالیت های غنی سازی مان را آغاز کرده بودیم و قدرت و توان امروز مان را هم نداشتیم، آمریکا و اروپایی ها دچار اختلاف نظر بودند تا جایی که قطعنامه علیه ایران، حدود ۲ سال بعد از آغاز فعالیت های هسته ای تصویب شد؛ بنابراین ایجاد شکاف بین آن ها هم امکان پذیر است.

## راهبردهای خرد؛ ذیل راهبردهای کلان

ذیل این ۳ راهبرد کلان، می توان راهبردهای خرد متعددی را عنوان کرد که به برخی از آن ها اشاره می کنم. اولین راهبرد خرد ذیل راهبرد کلان ناامید کردن آمریکا از عقب نشینی، «کند کردن اثر تحریم ها» است. روشن است که تحریم ها رانمی شود بی اثر کرد اما می توان آن را کم اثر کرد.

پیشنهاد های روشنی در این زمینه وجود دارد؛ به عنوان مثال استفاده از ظرفیت روسیه و چین در این زمینه بسیار راهگشاست. از طریق این دو کشور می توان به طور جدی اثر تحریم ها را کند کرد چرا که هم روسیه در شرایطی است که به یک متحد استراتژیک نیاز دارد هم چین با درسی که از ماجرای تحریم های روسیه گرفته است تصمیم دارد برای روز های بحرانی آینده، اقتصاد خود را از آسیب تحریم های احتمالی کم کند. به عنوان راهکاری دیگر می توان، به پیمان دوجانبه پولی اشاره کرد که متأسفانه با وجود فراهم بودن شرایط، دولت عزمی برای اجرایی کردن آن ندارد در حالی که با بستن این پیمان های دوجانبه بخش زیادی از مشکلات مربوط به مسئله انتقال دلار و یورو حل خواهد شد.

بحث دیگر، جدی گرفتن اقتصاد مقاومتی است که هر چند به برنامه ریزی و تلاش نیاز دارد اما امری شدنی و قابل تحقق است. شاید بد نباشد در همین زمینه به مصاحبه ای که مدتی پیش آقای سعید لیل از فعالان اقتصادی اصلاح طلب انجام داده اند اشاره کنم که گفته بود اگر در مذاکرات هسته ای هم به توافق برسیم، اقتصاد ایران آباد نخواهد شد چرا که سرمایه گذاری خارجی که به ایران خواهد آمد تنها ۳ درصد سرمایه گذاری های مورد نیاز را تأمین می کند لذا اقتصاد را باید با سرمایه گذاری داخلی مدیریت کنیم.

به نظر می رسد سرمایه های بسیاری در داخل کشور داریم که اتفاقاً به دلیل تحریم ها در کشور حبس شده است و امکان خروج از کشور را هم ندارد و فعال کردن این سرمایه با برنامه ریزی و مدیریت صحیح شدنی است؛ به عنوان یک مثال روشن، اگر به جای تمرکز بر گردشگری خارجی بر صنعت گردشگری داخلی تمرکز کنیم هم سرمایه گذاری زیادی در جای جای نقاط کشور توسط سرمایه داران داخلی وجود دارد و هم گردشگر داخلی که صدها میلیون دلار در خارج و داخل کشور هزینه می کند چه این صنعت را خواهد چرخاند.

## اجرای مرحله بعدی هدفمندی یارانه ها؛

## سیگنالی مهم برای ناامید کردن دشمن

بحث مالیات ها و جلوگیری از فرار های مالیاتی که رهبر انقلاب هم بر آن تاکید داشتند، یکی دیگر از راهبردهاست.

مسئله نفت را هم نباید فراموش کرد زیرا پیش بینی ها در میان مدت از افزایش دوباره قیمت نفت حکایت دارد و این امر می تواند یک راهبرد خرد در شرایط کنونی باشد. اجرای مرحله بعدی هدفمندی یارانه ها یا حذف یارانه ثروتمندان هم راهبرد موثری است؛ اگر این اقدام انجام شود، سیگنال شفاف و روشنی به طرف مقابل داده ایم که قصد عقب نشینی نداریم و حاضر شده ایم ریسک مرحله بعدی هدفمندی یارانه ها یا حذف اقشار ثروتمند را بپذیریم.

## شیوه های حمایتی از اقشار محروم

پیشنهاد دیگر، حل مشکل اقتصادی چند دهک پایین به شیوه های حمایتی است. طرح توزیع سبد کالا از سوی دولت در همین راستا بود که به شیوه بدی اجرا شد و اگر مسئولان امر از تجربیات زیادی که ما داشتیم استفاده می کردند و آن را درست اجرایی کردند، از میزان مشکلات اقتصادی می کاست. واقعیت این است که بخشی از جامعه دچار مشکلات اقتصادی هستند که طیف زیادی از جامعه کارگری و کارمند و کشاورز را هم شامل می شود، حداقل بخش اعظم این ها قابل شناسایی هستند و می توان برای آن ها طرح های حمایتی اجرا کرد، ولی ما هنوز عزمی برای این مهم نداشته ایم.

## اروپای دوم و شکاف درون جبهه غرب

ذیل راهبرد کلان دوم یعنی شکاف درون جبهه غربی نیز می توان پیشنهادی مشخص ارائه کرد که آن را پیش از این راهبردار اروپای دوم نامگذاری کرده به مسئولان سیاست خارجی پیشنهاد داده ایم. ارائه این موضوع، مجالی دیگر می طلبد اما خلاصه آنکه اگر امکان ایجاد شکاف بین تروئیکای اروپایی و آمریکا به عنوان جبهه غربی ۱+۵ وجود ندارد، می توان درون اتحادیه اروپا شکاف ایجاد کرد چرا که منافع دیگر کشورهای اروپایی با ایران در تضاد

نیست و چه بسا در بسیاری بخش ها، امکان تعریف منافع مشترک استراتژیک بین ایران و دیگر کشورهای اروپایی وجود دارد. کاری که روس ها و چینی ها در حال انجام آن هستند. اگر ما بتوانیم بخشی از کشورهای اروپایی را با خود همراه کنیم، در این شرایط است که تحریم جدید علیه ما امکان پذیر نخواهد بود و اثر تحریم های پیشین حتی اگر لغو نشود نیز کم می شود.

## اتحاد ملی و تقویت مشروعیت سیاسی نظام

راهبرد دیگر «اتحاد ملی و تقویت مشروعیت سیاسی نظام» است که بسیار کلیدی است و تاثیر بسیار زیادی در ناامید کردن طرف مقابل دارد؛ به همین دلیل انتخابات مجلس هم از اهمیت بالایی برخوردار است. اهمیت اول آن، در این است که انتخاباتی خوب، فراگیر و با مشارکت بالا، نشان دهد که ایران به کشوری با حاکمیت تثبیت شده و اقتدار کافی تبدیل شده است و در نتیجه پیامدهای ناشی از حوادث سال ۸۸ نیز که در فشار بر ایران نقشی کلیدی داشت، به طور کامل برطرف می شود زیرا آن ها بعد از فتنه ۸۸ به شکاف سیاسی و عدم تثبیت نظام سیاسی در ایران خیلی امیدوار شده بودند. انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲

به رفع این شائبه کمک کرد، اما به دلیل آن که آقای روحانی پیروز این انتخابات شد، بعضی با تحلیل نادرست این گونه فکر کردند که رای آوردن ایشان نتیجه پیروزی مخالفان است، اما انتخابات مجلس می تواند این شائبه را به طور کامل از بین ببرد. البته این که چه گروهی در انتخابات مجلس رای بیاورد هم اهمیت دارد و تاثیر گذار است، اما مهم تر از آن، فراگیری و نوع برگزاری انتخابات است. در کنار این موارد، مذاکرات خلاقانه از سر عزت و استقلال و البته همراه با انعطاف لازم هم باید ادامه پیدا کند که ما آن را دیپلماسی اخم و لبخند می نامیم.

## بیم ها و امید ها

در کنار مسائل مطرح شده، بیم ها و البته امیدهایی برای آینده وجود دارد. به نظر می رسد ما باید نگران دو بخش باشیم؛ یکی ادامه راهبرد تک گزینه ای دولت که فقط به مذاکره و آن هم فقط مذاکره با آمریکا تمرکز کرده است و نگرانی دوم در باره توان اجرایی پایین دولت است، هم به دلیل جنس اعضای کابینه که جنس دولت و نوع تفکر اعضای آن از جنس کارشناسی است و از جنس کار اجرایی و پیاده سازی پروژه های سنگین نیست و هم به دلیل سن بالای اعضای کابینه که نشان می دهد دولت توان اجرایی بالایی ندارد. اما امیدهای جدی هم وجود دارد؛ اولین امید این است که مردم با وجود همه سختی ها همچنان همراه هستند و نظر سنجی های متعدد کاملاً این ادعا را اثبات می کند. دوم این که شرایط مادر منطقه بسیار عالی است و روز به روز در حال بهتر شدن است و این، تاثیر بسیار زیادی در ناچار شدن از پذیرش ما به عنوان قدرت منطقه ای دارد. سوم انتخابات مجلس است که ان شاء... با حضور گسترده مردم تاثیر مبنایی و اساسی در معادله خواهد گذاشت و از همه مهم تر عنایت و الطاف الهی است. اعتقادات دینی و وعده های قطعی و غیر قابل تردید الهی به ما بشارت می دهد و وقتی حمایت و همراهی های مومنانه مردم پشت سر تصمیمات و سیاستگذاری های کشور است، بدون تردید امداد های آشکار و پنهان الهی را هم به همراه خواهد داشت و این الطاف به مدد تدبیر ها و عمل های ما خواهد آمد و معادله آن طور که مدنظر ماست، پیش خواهد رفت. «و مکروا و مکرأ... و ا... خیرالماکرین».